

رابطه بین مدت تصدی حسابرِس و مدیریت سود

موسی بزرگ اصل^۱ / حمیدرضا شایسته مند^۲

چکیده

نگرانی ناشی از آثار روابط طولانی حسابرِس و صاحبکار بر استقلال حسابرِس، کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، موجب تدوین مقرراتی نظیر چرخش اجباری حسابرسان جهت محدود کردن این روابط شده است. اما در خصوص منافع چرخش اجباری حسابرسان، بین صاحبانظران اتفاق نظر وجود ندارد و تحقیقات صورت پذیرفته، نتایج متناقضی را نشان می دهد. این تحقیق به بررسی رابطه بین مدت تصدی حسابرِس و مدیریت سود می پردازد. در این تحقیق جهت اندازه گیری مدیریت سود از اقلام تعهدی اختیاری علامت دار و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری طبق مدل تعدیل شده جونز استفاده شده است. با بررسی ۱۰۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۸۲ و با بهره گیری از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه، نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنی دار بین مدت تصدی حسابرِس و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری است. اما بین مدت تصدی حسابرِس و اقلام تعهدی اختیاری علامت دار ارتباطی مشاهده نشد. در مجموع، یافته های تحقیق مبین این است که با افزایش مدت تصدی حسابرِس، احتمال مدیریت سود، چه در جهت کاهش و چه در جهت افزایش سود، بیشتر گردیده و جهت مدیریت سود وابسته به انگیزه های خاص مدیریت می باشد.

واژگان کلیدی: مدت تصدی حسابرِس، استقلال حسابرِس، کیفیت حسابرسی، مدیریت سود، اقلام

تعهدی اختیاری

طبقه بندی موضوعی: M42

۱. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۲. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

۱- مقدمه

استقلال اساس و روح حسابرسی است و حسابرسی، بدون استقلال هیچ ارزشی ندارد. اعتماد مردم و بازار سرمایه به حسابرس به واسطه استقلال وی است، لذا عوامل تهدیدکننده استقلال باید همواره مورد بررسی قرار گیرد. در این خصوص یکی از زمینه‌هایی که طی چند دهه اخیر همواره مورد بحث و پژوهش قرار گرفته است، مدت تصدی حسابرس به عنوان عاملی تاثیرگذار بر کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی بوده است. در این تحقیق سعی شده است تاثیر مدت تصدی حسابرس بر کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی بررسی شود.

بر اساس آئین رفتار حرفه‌ای، استقلال یکی از اصول مهم حسابرسی برای تامین منافع عمومی جامعه است. استقلال حسابرس، یعنی اینکه صورتهای مالی به وسیله افرادی حسابرسی شده است که علاوه بر صلاحیت‌های فنی، از بی‌طرفی کافی جهت انجام یک قضاوت مستقل برخوردار بوده‌اند. یکی از عوامل اصلی تهدیدکننده استقلال حسابرس، وابستگی مالی او به صاحبکار است که بر گزارشگری تحریفات بااهمیت تاثیر می‌گذارد. از همین رو است که بسیاری از مجامع حرفه‌ای و حتی قانونی کشورهای مختلف، سقف خاصی را به عنوان حداکثر میزان وابستگی موسسات حسابرسی به یک صاحبکار تعیین نموده‌اند. رابطه بلندمدت حسابرس با صاحبکار نیز موجب تهدیدات ناشی از آشنایی می‌شود.

سودمندی چرخش اجباری و یا اختیاری حسابرسان نیز به عنوان ابزاری جهت کمک به افزایش استقلال حسابرسان در سالهای گذشته همواره مورد بحث دانشگاهیان، سیاست‌گذاران بازار سرمایه و حسابرسان قرار گرفته است. از این جمله می‌توان به انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA, 1978, 1987)، ترنر (Turner, 1999)، کنگره آمریکا (US Congress, 2002) اشاره نمود (به نقل از دیویس و همکاران، ۲۰۰۰). ریشه اصلی چرخش اجباری حسابرسان به نگرانی‌های ابراز شده از سوی کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا در خصوص کاهش کیفیت گزارشگری مالی بر-می‌گردد. نگرانی اول مربوط به مدیریت روزافزون سود توسط شرکتها جهت دستیابی به پیش‌بینی تحلیلگران و نگرانی بعدی مربوط به کوتاهی حسابرسان در کشف موارد مربوط به مدیریت سود می‌باشد که آن را به ضعف استقلال حسابرسان نسبت می‌دهند (Davis, et al., 2000, 2008).

سازمان بورس و اوراق بهادار ایران نیز در تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار (مصوب ۱۳۸۶/۵/۸)، موسسات حسابرسی و شرکای مسئول کار حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی مشمول دستورالعمل مذکور را از پذیرش حسابرسی و بازرسی

قانونی یک شرکت، به مدت بیش از چهار سال منع کرده است. در سازمان حسابرسی نیز حداکثر مدت مجاز انجام حسابرسی توسط یک مدیر ۳ سال و توسط مدیر ارشد ۵ سال می‌باشد.

چرخش اجباری حسابرسان، مدافعان و مخالفان فراوانی دارد. مدافعان آن ایجاد نگاه تازه‌ای به صورتهای مالی ارائه شده توسط صاحبکار و افزایش استقلال حسابرس و کشف تحریف‌های موجود در صورتهای مالی را به عنوان دلایل خود در دفاع از چرخش اجباری حسابرسان عنوان می‌نمایند.

مخالفان چرخش اجباری حسابرسان، مقررات قانونی، شکایت‌های قضایی و انگیزه‌های حسابرسان جهت حفظ شهرت را به عنوان دلایل عدم نیاز به چرخش اجباری حسابرسان بر می‌شمارند. از سوی دیگر به نظر انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA, 1997) و موسسه حسابرسی پی‌دبلیو-سی (Pwc, 2002)، چرخش اجباری حسابرسان می‌تواند منجر به کاهش کیفیت حسابرسی و افزایش هزینه‌ها برای سرمایه‌گذاران و صاحبکار شود (Davis, et al., 2000).

موضوع محدود نمودن مدت تصدی حسابرس از دو بعد قابل بررسی است. بعد اول مربوط به تغییر مؤسسات حسابرسی است و بعد دیگر شامل تغییر ادواری کادر حسابرسی خصوصاً در رده مدیران و سرپرستان مسئول کار حسابرسی و شریک مربوطه می‌باشد. در این خصوص، مجامع حرفه‌ای همچون انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA) و فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC, 2005) عمدتاً بر چرخش شرکا و اعضای گروه رسیدگی کننده تاکید نموده‌اند.

با توجه به وجود موافقان و مخالفان چرخش اجباری حسابرس، نیاز به بررسی رابطه بین افزایش مدت تصدی حسابرس و استقلال و توانایی حسابرس در تشخیص گزارشهای مالی حاوی تحریف بااهمیت، به شدت احساس می‌شود. هدف این پژوهش، بررسی ارتباط بین مدت تصدی حسابرسان و مدیریت سود به عنوان نماینده استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی است.

در این پژوهش همانند تحقیقات متعدد صورت پذیرفته توسط مک‌نیکولز و همکاران (McNichols, et al., 1988)، جونز (Jones, 1991)، هیلی و همکاران (Healy, et al., 1999)، گوش و همکاران (Ghosh, 2003) و دیویس و همکاران (Davis, et al., 2000, 2008)، از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان یکی از ابعاد مدیریت سود جهت نمایندگی استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی استفاده شده است.

۲- ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

تحقیقات متعددی مدت تصدی حسابرس را به عنوان یک متغیر مستقل جهت ارزیابی تأثیر آن بر استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته‌اند. این تحقیقات به نتایج واحدی دست نیافته‌اند و بسته به شرایط قانونی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور مورد مطالعه، نتایج متفاوتی را به همراه داشته‌اند. برخی تحقیقات به این نتیجه رسیده‌اند که تغییر اجباری حسابرسان منجر به کاهش کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی می‌شود. در عوض نتایج برخی تحقیقات از کاهش مدت تصدی حسابرس دفاع نموده و ایجاد مقرراتی جهت تغییر اجباری حسابرسان را مورد تأیید قرار داده‌اند. پاره‌ای پژوهش‌ها نیز نتایج دوگانه و یا توأم با ابهامی را به همراه داشته‌اند و صراحتاً در خصوص تغییر اجباری حسابرسان اظهار نظر ننموده و وجود ارتباط را در گرو وجود شرایط خاصی دانسته‌اند. در ادامه، تحقیقات عمده و با اهمیت صورت پذیرفته در خصوص مدت تصدی و تغییر اجباری حسابرس را به تفکیک نتایج سه گانه فوق بررسی خواهیم نمود.

۲-۱- تحقیقات خارجی مخالف تغییر اجباری حسابرس

نتایج بسیاری از تحقیقات صورت پذیرفته در سه دهه اخیر، خصوصاً تحقیقات انجام شده در محیط‌هایی که در آنها تغییر اجباری حسابرسان الزامی بوده است، مبین تأثیر نامطلوب تغییر اجباری حسابرسان بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی است. در این خصوص مواردی چون تجربه و تخصص حسابرس و شناخت وی از صاحبکار و همچنین تمایل حسابرسان به پوشش هزینه‌های حسابرسی نخستین در سالهای اولیه همکاری از جمله دلایل حمایت از ارتباط بلند مدت حسابرس و صاحبکار عنوان شده است.

تحقیق لنوکس (Lennox, 1984) نشان داد که تغییر حسابرس، منجر به کاهش کیفیت گزارش حسابرسی می‌گردد. تحقیقات پالمرز (Palmrose, 1986, 1991) نیز نشان می‌دهد که احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه حسابرسان به دلیل عدم رعایت کافی استانداردهای حسابرسی که ناشی از فقدان تجربه کافی در خصوص صاحبکاران تازه است، در سال‌های ابتدایی کار حسابرسان بیشتر است. دایز و همکاران (Deis, et al., 1992) نیز به این نتیجه رسیدند که تغییر اجباری حسابرس تأثیر منفی بر کیفیت حسابرسی دارد. مطالعات سامر (Summer, 1998) نیز نشان می‌دهد، تغییر اجباری حسابرس به جای تقویت استقلال حسابرس، آن را مخدوش می‌کند (بذرافشان، ۱۳۸۸). واکر و همکاران (Walker, et al., 2001) دریافتند که میزان شکست‌های حسابرسی در روابط طولانی

صاحبکار و حسابرِس کمتر است. گایگر و همکاران (Geiger, et al., 2002) ضمن بررسی شرکت‌های آمریکایی که طی سالهای ۱۹۹۶ الی ۱۹۹۸ اعلام ورشکستگی نموده بودند، نتیجه گرفتند که بین مدت تصدی حسابرِس و وجود بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی سال قبل از ورشکستگی، ارتباط مثبت وجود دارد.

برخی نیز ادعا می‌کنند که رابطه طولانی بین حسابرِس و صاحبکار نه تنها منجر به کاهش استقلال حسابرِس نمی‌شود بلکه حسابرسان از این طریق، شناخت عمیق‌تری از عملیات تجاری و سیستم‌های پردازش صاحبکار که نقش اساسی در انجام اثربخش حسابرسی دارند، کسب می‌کنند. در این خصوص مایرز و همکاران (Myers, et al., 2003) با استفاده از دو معیار اقلام تعهدی اختیاری و جمع اقلام تعهدی دوره جاری بعنوان نماینده کیفیت حسابرسی، به این نتیجه رسیدند که با طولانی شدن ارتباط صاحبکار و حسابرِس، پراکندگی در توزیع اقلام تعهدی کاهش یافته و در نتیجه، کیفیت حسابرسی بهبود می‌یابد.

کارسلو و همکاران (Carcello, et al., 2004) به بررسی رابطه بین تغییر اجباری حسابرسان و کیفیت حسابرسی از دیدگاه گزارشگری متقالبانه پرداختند و ضمن مشاهده رابطه مثبت و معنی‌دار بین ارتباط کوتاه مدت حسابرِس و صاحبکار و تعداد گزارشهای مالی متقالبانه، نتیجه گرفتند با توجه به اینکه تحریفات، با احتمال بیشتری در سالهای اولیه ارتباط حسابرِس و صاحبکار رخ می‌دهد، تغییر اجباری حسابرِس می‌تواند اثرات منفی بر کیفیت حسابرسی بر جای گذارد.

مانسی و همکاران (Mansi, et al., 2004) و کیم و همکاران (kim, et al., 2007)، رابطه بین مدت تصدی حسابرِس را با نرخ هزینه بدهی بررسی کردند و با توجه به وجود رابطه معکوس بین نرخ هزینه بدهی و مدت تصدی حسابرِس، نتیجه گرفتند که بین مدت تصدی حسابرِس و کیفیت سود رابطه مستقیم وجود دارد.

ابراهیم (Ebrahim, 2001) نشان داد که بین مدت تصدی حسابرِس و کارایی فرایند حسابرسی ارتباط مثبت وجود دارد. همچنین اهمیت صاحبکار بر استقلال حسابرِس تأثیر گذار بوده و حسابرسان به صاحبکاران بزرگ خود اختیار بیشتری در دستکاری سود می‌دهند.

چن و همکاران (Chen, et al., 2005) در کشور تایوان ارتباط بین مدت تصدی شریک و مؤسسه حسابرسی و کیفیت سود را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که رابطه قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری با دوره تصدی شریک حسابرسی، معکوس است. بنابراین بین مدت تصدی شریک حسابرسی و کیفیت سود رابطه مثبت وجود دارد.

گول و همکاران (Gul, et al., 2007) نشان دادند که تأثیر حق الزحمه‌های غیرحسابرسی بر استقلال حسابرسان مشروط به مدت تصدی است. ایشان مشاهده کردند در شرکت‌هایی که مدت تصدی مؤسسات حسابرسی آنها کمتر از سه سال است، بین حق الزحمه‌های غیرحسابرسی و میزان اقلام تعهدی اختیاری، رابطه مستقیمی وجود دارد.

کمران و همکاران (Cameran, et al., 2008) در کشور ایتالیا^۱ نشان دادند که با گذشت زمان و افزایش مدت تصدی حسابرس، کیفیت حسابرسی (اندازه‌گیری شده بوسیله مدیریت سود) افزایش می‌یابد. ایشان همچنین به این نتیجه رسیدند که در محیطی با تغییر اجباری حسابرسان، تغییر اختیاری ایشان بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت گذارده، ولی تغییر اجباری حسابرسان، تأثیر منفی بر کیفیت حسابرسی داشته است.

۲-۲- تحقیقات خارجی موافق تغییر اجباری حسابرس

طبق بیانیه مفاهیم استقلال هیات استانداردهای استقلال، آشنایی یکی از عوامل تهدیدکننده استقلال است. در همین راستا عده‌ای از پژوهشگران از تغییر اجباری حسابرس حمایت نموده و اعتقاد دارند، وجود ارتباط طولانی صاحبکار و حسابرس، ضمن کاهش توانایی حسابرس در بکارگیری مناسب تردید حرفه‌ای، منجر به عدم کشف تحریفات و در نهایت کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود. از این منظر، تغییر حسابرس منجر به افزایش استقلال حسابرسان می‌شود و از طریق کاهش انگیزه تبانی با شرکتها و ارتکاب اعمال متقلبانه، کیفیت حسابرسی را بهبود می‌بخشد. نتایج برخی از پژوهش‌ها نیز از این فزاینده و به این نتیجه رسیده‌اند که نه تنها محدود و مشخص نمودن حداکثر مدت تصدی حسابرس منجر به افزایش استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی می‌گردد، بلکه می‌توان از طریق تعیین حداقل مدت تصدی حسابرس، استقلال وی را افزایش داد.

شاکلی (Shockley, 1981) بیان می‌نماید، در صورتی که ارتباط بین حسابرس و صاحبکار بیش از ۵ سال به طول انجامد، استقلال حسابرس احتمالاً به خطر می‌افتد. وی فرض می‌کند که سهل‌انگاری، فقدان انگیزه، آسان‌گیری رویه‌های حسابرسی و ایجاد صمیمیت با صاحبکار ممکن است پس از ارتباط طولانی مدت رخ دهد. بیتز و همکاران (Bates, et al., 1982) تأثیر افزایش مدت تصدی حسابرس بر قضاوت وی را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق از تعدادی حسابدار رسمی خواسته شده تا ارزیابی خود از اهمیت افشای یک مورد دعوای حقوقی را، از لحاظ کمی بیان نمایند. در این

۱. کشور ایتالیا بیش از ۲۰ سال است که تغییر اجباری حسابرسان را اجرا می‌کند.

تحقیق مشاهده گردید که بزرگترین آستانه اهمیت، مربوط به زمانی است که حسابرِس دارای سابقه بیشتر از ۵ سال در یک شرکت است. یافته‌های ایشان مبین این امر است که قضاوت حسابرسان تحت تأثیر مدت تصدی قرار دارد (بذرافشان، ۱۳۸۸).

کاپلی و همکاران (Copley, et al., 1993) دریافتند که همزمان با افزایش مدت تصدی حسابرسان، کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد. وانسترالن (Vanstraelen, 2000) تأثیر حسابرسی بلند مدت قابل تمدید بر چگونگی گزارشگری و استقلال حسابرِس را مورد بررسی قرار داد. بنابر نتایج این تحقیق، شرکت‌هایی که رابطه طولانی‌تری با حسابرسان خود دارند اظهار نظر مقبول بیشتری نیز دریافت می‌کنند. بنابراین دوره تصدی طولانی، احتمال صدور گزارش غیر مقبول توسط حسابرِس را کاهش می‌دهد.

دوپاچ و همکاران (Dopuch, et al., 2001) در یک تحقیق آزمایشی به ارزیابی این موضوع پرداختند که بین آزادی کامل در عزل و نصب، تغییر اجباری و یا حفظ و ابقای اجباری حسابرِس، کدامیک تأثیر بیشتری بر افزایش استقلال حسابرسان دارد. آنها این موضوع را از طریق تمایل حسابرِس در انتشار گزارشهای مطابق با خواسته‌های مدیریت، بررسی کردند. به این ترتیب آزمایشی طراحی گردید که در آن چهار گزینه مختلف شامل آزادی کامل در عزل و نصب حسابرِس، تعیین حداقل مدت تصدی، تعیین حداکثر مدت تصدی و تعیین حداقل و حداکثر مدت تصدی مشخص گردیده بود. در این آزمایش، مدیر در یک دارایی با ریسک بالا سرمایه‌گذاری و حسابرِس نسبت به این دارایی اقدام به صدور گزارش می‌نمود. نتایج تحقیق نشان داد که سوگیری‌های شخصی حسابرسان و رفتارهای مغرضانه ایشان در حالت آزادی کامل در عزل و نصب حسابرِس به حداکثر خود رسیده و در حالت تعیین حداقل و حداکثر مدت تصدی، کاملاً از بین رفته است. بر اساس نتایج این تحقیق، از آنجا که تعاملات مکرر صاحبکار و حسابرِس می‌تواند منجر به تبانی شود، تغییر اجباری حسابرِس می‌تواند منجر به افزایش استقلال شود.

چانگ (Chung, 2004) نتایجی در حمایت از تغییر اجباری حسابرسان در کشور کره جنوبی بدست آورد. وی تعدادی از شرکتهای پذیرفته شده در بورس آن کشور را قبل و بعد از اجرای قانون تغییر اجباری حسابرِس مورد ارزیابی قرار داد و به این نتیجه دست یافت که پس از اعمال قانون تغییر اجباری حسابرِس، میزان اعلام تعهدی اختیاری کاهش یافته است. به اعتقاد وی کاهش مدت تصدی حسابرِس می‌تواند منجر به افزایش کیفیت حسابرسی گردد. کاسترلا و همکاران

(Casterella, et al., 2004) نیز شواهدی از وجود ارتباط مثبت بین مدت تصدی حسابرس و خطای گزارشگری ارائه نمودند.

۲-۳- تحقیقات خارجی با نتایج دوگانه و یا توام با ابهام در خصوص تغییر اجباری حسابرس

در تحقیقات متعددی، قصور در کشف تحریفات با اهمیت، برای حسابرسانی که برای اولین بار حسابرسی یک صاحبکار را بر عهده گرفته‌اند و همچنین حسابرسان دارای ارتباط طولانی با صاحبکار، مشاهده شده است. بدین ترتیب نتیجه‌گیری شده است که مدت تصدی پایین، به لحاظ عدم شناخت کافی حسابرس از صنعت صاحبکار و شرکت مورد رسیدگی و همچنین به دلیل تمایل شدید حسابرس به حفظ صاحبکار جهت بازیافت هزینه‌های سال اول حسابرسی، منجر به اجرای نامناسب روشهای رسیدگی و یا نتیجه‌گیری نامناسب از نتایج رسیدگیها گردیده و در نهایت کاهش کیفیت حسابرسی را به همراه داشته است. از سوی دیگر مدت تصدی طولانی حسابرس نیز باعث ایجاد روابط خاص بین طرفین گردیده و به دلیل کاهش استقلال حسابرس، کاهش کیفیت حسابرسی را به همراه داشته است. در تحقیقی که توسط نپ (knapp, 1991) انجام گردید، برداشت اعضای کمیته حسابرسی از کیفیت حسابرسی و مدت تصدی حسابرس مورد آزمون قرار گرفت. این تحقیق نشان داد، در مواردی که حسابرس حداقل دارای ۵ سال تجربه کاری با صاحبکار باشد، اعضای کمیته حسابرسی، احتمال بیشتری برای کشف اشتباهات با اهمیت قائلند اما این اعضا در مواردی که ارتباط کاری حسابرس با صاحبکار، بیش از ۲۰ سال باشد، احتمال کمتری برای کشف اشتباهات با اهمیت توسط حسابرس قائل هستند. راگوناندان و همکاران (Raghunandan, et al., 1994) نیز مشاهده نمودند که مشکلات حسابرسی در سال اول انتخاب حسابرس و همچنین پس از آنکه بیش از پنج سال از رابطه بین حسابرس و صاحبکار می‌گذرد، بیشتر بروز می‌کند.

دیویس و همکاران (Davis, et al., 2000) با بررسی رابطه بین مدت تصدی حسابرس و قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری و همچنین قدر مطلق خطای پیش بینی تحلیل گران، نشان دادند که احتمال مدیریت سود در سالهای اولیه همکاری حسابرس و همچنین پس از آنکه مدت رابطه بین حسابرس و صاحبکار افزایش زیادی یافت بیشتر است.

برخی تحقیقات نیز اندازه بازار خدمات حسابرسی و وجود صاحبکاران بزرگ را در رابطه با مدت تصدی حسابرس مورد بررسی قرار داده اند. گیتزمن و همکاران (Gietzman, et al., 2002) به این نتیجه رسیدند که اگر در بازار حسابرسی تعداد کمی صاحبکار بزرگ وجود داشته باشد، تغییر اجباری

می تواند ابزار سیاسی مطلوبی جهت حفظ استقلال حسابرسان باشد چرا که در این شرایط احتمال انتخاب مجدد حسابرس توسط یک صاحبکار بزرگ محدود است و حسابرسان نگران تمدید قرارداد هستند. اما اگر در بازار حسابرسی، صاحبکاران بزرگ متعددی وجود داشته باشد، تمایل حسابرسان در حفظ اعتبار و شهرتشان به قدری زیاد است که می تواند جلوی ریسک تبانی را بگیرد. در این شرایط، تغییر اجباری تنها می تواند منجر به تحمیل هزینه های غیر ضروری گردد.

ترنر و همکاران (Turner, et al., 2008) دریافتند که افزایش مدت تصدی حسابرس در شرکت های کوچک با اقلام تعهدی اختیاری رابطه معکوس و در شرکت های بزرگ فاقد رابطه بوده است. ایشان دلیل این امر را افزایش کیفیت حسابرسی دانسته اند. نتایج تحقیق دیویس و همکاران (Davis et al, 2008) حاکی از آن است که تا قبل از تصویب قانون سارینز - اکسلی، بین مدت تصدی بالای حسابرس (بیش از پانزده سال) و مدت تصدی کم آن (کمتر از چهار سال) و مدیریت سود رابطه وجود دارد، ولی پس از صدور این قانون چنین رابطه ای مشاهده نمی شود. ایشان دلیل احتمالی این امر را احتیاط حسابرسان و مدیران در استفاده از اقلام تعهدی پس از صدور این قانون می دانند.

۲-۴- تحقیقات داخلی در خصوص مدت تصدی حسابرس

تحقیقات داخلی در زمینه موضوع فوق عمدتاً متمرکز بر دلایل تغییر حسابرسان بوده و به استثنا تحقیق بذرافشان (۱۳۸۸)، تحقیقی که مدت تصدی حسابرس را به عنوان متغیر مستقل مورد استفاده قرار داده باشد مشاهده نگردید. در تحقیق ایشان رابطه بین دوره تصدی حسابرسان و گزارشگری سودهای محافظه کارانه در شرکت های بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت و نتایج تحقیق حاکی از آن بود که بین دوره تصدی حسابرس و محافظه کاری رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد.

۳- روش تحقیق

این تحقیق از دیدگاه تقسیم بندی تحقیقات بر حسب هدف، تحقیقی است کاربردی. چرا که هدف تحقیقات کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. به عبارت دیگر تحقیقات کاربردی به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می شوند.

از سوی دیگر براساس چگونگی جمع آوری داده ها، تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی است. اجرای تحقیقات توصیفی می تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود و یا به منظور یاری رساندن

به فرایند تصمیم‌گیری باشد. با توجه به دسته بندی‌های مختلف تحقیقات توصیفی، تحقیق حاضر از نوع همبستگی است.

۳-۱- متغیرهای تحقیق

۳-۱-۱- متغیر وابسته

اقلام تعهدی اختیاری (DA): بخشی از اقلام تعهدی است که تحت اختیار و کنترل مدیریت قرار دارد و مدیریت از طریق دستکاری آن اقدام به مدیریت سود می‌نماید. این بخش از اقلام تعهدی معمولاً حاصل کسر اقلام تعهدی غیر اختیاری از جمع کل اقلام تعهدی است. با توجه به تاثیرات متفاوت اقلام تعهدی اختیاری بر سود و زیان دوره، می‌توان این اقلام را در دو شکل اقلام تعهدی اختیاری علامت‌دار و قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری مورد مطالعه قرار داد. برای اندازه‌گیری این متغیرها مدل‌های مختلفی وجود دارد که از بین آنها مدل تعدیل شده جونز اعتبار بیشتری دارد.

۳-۱-۲- متغیرهای مستقل

دوره تصدی حسابرس (TENURE): مدت تصدی یک شخص یا یک مؤسسه حسابرسی به عنوان حسابرس مستقل در یک شرکت.

اظهار نظر سال قبل حسابرس (OPN): اظهار نظر حسابرس مستقل نسبت به صورتهای مالی سال قبل صاحبکار.

نسبت اهرمی (LEV): برابر با حاصل تقسیم جمع بدهیهای واحد تجاری بر جمع داراییهای آن است و مشخص می‌نماید که چه بخشی از دارایی‌های شرکت توسط اشخاصی غیر از مالکان واحد تجاری تامین گردیده است.

نرخ بازده دارایی‌ها (ROI): برابر با حاصل تقسیم سود خالص واحد تجاری بر جمع دارایی‌های آن است و مشخص‌کننده چگونگی عملکرد واحد تجاری است.

اندازه شرکت (SIZE): برابر با لگاریتم طبیعی جمع داراییهای واحد تجاری است.

۳-۲- سوالات و فرضیه‌های تحقیق

این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا بین مدت تصدی حسابرس و مدیریت سود به عنوان نماینده استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، رابطه معنی داری وجود دارد یا خیر. در تحقیقات مربوط به مدت تصدی و تغییر حسابرس، برای ارزیابی موارد فوق، عمدتاً از سه نوع معیار استفاده شده است. دسته اول معیارهای مبتنی بر گزارشهای حسابرسی شامل شکست‌های

حسابرسی، گزارشگری متقالبانه و طرح دعاوی حقوقی بر علیه حسابرسان است که توسط پژوهشگرانی چون پیر و همکاران (Pierre, et al., 1984) استفاده شده است. دسته دوم شامل معیارهای مبتنی بر بازار از قبیل هزینه بدهی و ضریب واکنش سود است که توسط پژوهشگرانی چون مانسی و همکاران (Mansi, et al., 2004) مورد استفاده قرار گرفته است. دسته سوم معیارهای مبتنی بر اقلام مندرج در صورتهای مالی شامل اقلام تعهدی اختیاری است که توسط پژوهشگرانی چون مایرز و همکاران (Myers, et al., 2003) و دیویس و همکاران (Davis, et al., 2000) استفاده شده است. این تحقیق یکی از ابعاد مدیریت سود (اقلام تعهدی اختیاری) را به عنوان نماینده استقلال حسابرِس، کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، مورد استفاده قرار می دهد. مطالعات صورت پذیرفته در خصوص هموارسازی و مدیریت سود نشان داده است که اشخاص با انگیزه های مختلفی اقدام به مدیریت سود می نمایند. برخی انگیزه ها همچون انتشار سهام جدید و ورود اولیه به بورس او راق بهادار، افزایش اقلام تعهدی اختیاری و نتیجتاً افزایش سود را در پی دارند. برخی انگیزه ها همچون هزینه های سیاسی و انگیزه های مالیاتی، منجر به کاهش اقلام تعهدی اختیاری و به تبع آن کاهش سود می شوند. برخی انگیزه ها نیز همچون قراردادهای پاداش و انگیزه های مبتنی بر بازار سرمایه نیز نتایج دوگانه ای را نشان داده اند. در این پژوهش همانند تحقیقات صورت پذیرفته توسط مایرز و همکاران (Mayer, et al., 2003) و دیویس و همکاران (Davis, et al., 2000, 2008) و بسیاری تحقیقات دیگر، جهت کنترل انگیزه های مختلف مدیریت سود از دو فرضیه استفاده شده است. فرضیه اول قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته تا کلیه انگیزه های مدیریت سود را پوشش دهد. اما فرضیه دوم به صورت خاص وجود رابطه بین افزایش مدت تصدی حسابرِس و افزایش سود را مورد بررسی قرار می دهد. همچنین همانند بسیاری از تحقیقات صورت پذیرفته در این حوزه، جهت کنترل برخی متغیرهای مداخله گر، از چهار متغیر کنترل شامل اظهار نظر سال قبل حسابرِس، نسبت اهرمی، نرخ بازده دارایی ها و اندازه شرکت در مدل تحقیق استفاده شده است. بنابراین فرضیه های تحقیق و مدل های آماری مربوطه به شرح زیر می باشند:

فرضیه ۱: بین مدت تصدی حسابرِس و لگاریتم طبیعی قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد.

$$\ln |DA_{it}/A_{i,t-1}| = \beta_0 + \beta_1 TENURE_{it} + \beta_2 OPN_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROI_{it} + \beta_5 SIZE_{it}$$

فرضیه ۲: بین مدت تصدی حسابرِس و اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی داری وجود دارد.

$$DA_{it}/A_{i,t-1} = \beta_0 + \beta_1 TENURE_{it} + \beta_2 OPN_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROI_{it} + \beta_5 SIZE_{it}$$

در این پژوهش، جهت ارزیابی اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز (Jones, 1991) که مبتنی بر درآمدهای تعهدی است استفاده شده است. دیچو و همکاران (Dechow, et al., 1995) در پژوهشی با عنوان "در جستجوی مدیریت سود" پنج مدل مطرح شناسایی اقلام تعهدی اختیاری را معرفی و ضمن مقایسه آنها، نتیجه گرفتند که مدل فوق، بیشترین توان در شناسایی مدیریت سود را دارا است.

نقطه آغازین مدل فوق، شناسایی جمع اقلام تعهدی از طریق معادله زیر است.

$$TA_t = (\Delta CA_t - \Delta CL_t - \Delta cash_t + \Delta STD_t - DeP_t) / (A_{t-1})$$

$$TA_t = \text{کل اقلام تعهدی سال } t$$

$$\Delta CA_t = \text{تغییر در داراییهای جاری در سال } t$$

$$\Delta CL_t = \text{تغییر در بدهیهای جاری در سال } t$$

$$\Delta cash_t = \text{تغییر در وجوه نقد و معادل نقد در سال } t$$

$$\Delta STD_t = \text{تغییر در حصة جاری تسهیلات پرداختی در سال } t$$

$$DeP_t = \text{هزینه استهلاک در سال } t$$

$$A_{t-1} = \text{جمع داراییهای سال } t-1$$

قدم بعدی محاسبه اقلام تعهدی غیر اختیاری با استفاده از فرمول زیر است:

$$NDA_t = \alpha_1 (1/A_{t-1}) + \alpha_2 [(\Delta REV_t - \Delta REC_t)/A_{t-1}] + \alpha_3 (PPE_t/A_{t-1})$$

$$NDA_t = \text{اقلام تعهدی غیر اختیاری در سال } t$$

$$A_{t-1} = \text{جمع داراییها در سال } t-1$$

$$\Delta REV_t = \text{تغییر در خالص درآمد شرکت در سال } t \text{ نسبت به سال } t-1$$

$$\Delta REC_t = \text{تغییر در خالص حسابها و اسناد دریافتی تجاری در سال } t \text{ نسبت به سال } t-1$$

$$PPE_t = \text{مبلغ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات در سال } t$$

$$\alpha_1 \text{ و } \alpha_2 \text{ و } \alpha_3 = \text{پارامترهای برآورد شده خاص شرکت}$$

جهت برآورد α_1 ، α_2 و α_3 نیز از مدل زیر استفاده می شود.

$$TA_t = \alpha_1 (1/A_{t-1}) + \alpha_2 [(\Delta REV_t - \Delta REC_t)/A_{t-1}] + \alpha_3 (PPE_t/A_{t-1}) + e_t$$

ضرایب α_1 و α_2 و α_3 فوق برآورد OLS پارامترهای α_1 و α_2 و α_3 و TA جمع کل اقلام

تعهدی است.

در نهایت، با کسر اقلام تعهدی غیر اختیاری از جمع کل اقلام تعهدی، اقلام تعهدی اختیاری به- دست می‌آید:

$$DA_t = TA_t - NDA_t$$

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱- آمار توصیفی

جداول ۱ و ۲، شاخص‌های مرکزی میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی شامل انحراف معیار، کشیدگی و چولگی، برای متغیرهای مختلف مدل‌های تحقیق و مدل تعدیل شده جونز را نشان می‌دهد. بزرگ بودن میانگین از میانه وجود نقاط بزرگ را در داده‌ها نشان می‌دهد، زیرا میانگین تحت تاثیر این مقادیر قرار می‌گیرد. در این رابطه در خصوص متغیرهایی چون $1/A$ ، $(\Delta REV_t - \Delta REC_t)/A$ ، $abs(DA/A)$ ، PPE/A ، LEV ، توزیع داده‌ها چوله به راست و در خصوص متغیرهایی همانند DA/A ، TA/A ، $lnabs(DA/A)$ ، ROI و $SIZE$ ، مقادیر میانگین و میانه نزدیک به هم است که در این موارد توزیع متغیرها متقارن می‌باشد. با توجه به این امر که تقارن یکی از ویژگی‌های توزیع نرمال بوده و نرمال بودن متغیر وابسته از پیش فرض‌های اصلی تحلیل رگرسیونی است، تقارن متغیرهای وابسته فوق از اهمیت ویژه‌ای در تحقیق برخوردار است.

جدول (۱): آمار توصیفی مربوط به مدل تعدیل شده جونز

	N		Mean	Median	Std.Deviation	Skewness	Kurtosis
	Valid	Missing					
TA_t/A_{t-1}	542	3	.036716	.026612	.2019291	.658	.934
$1/A_{t-1}$	542	3	8.0E-006	4.8E-006	1.007E-005	3.620	22.100
$(\Delta REV_t - \Delta REC_t)/A_{t-1}$	543	2	.113934	.072595	.2785153	1.769	8.543
PPE_t/A_{t-1}	545	0	.494681	.434512	.2967761	1.194	1.973

جدول شماره (۲): آمار توصیفی مربوط به مدل ۱ و ۲ تحقیق

	Mean	Median	Std.Deviation	Skewness	Kurtosis
Lev	.706684	.707086	.2251382	1.037	4.119
ROI	.117104	.103089	.1425965	.142	1.275
Size	12.581535	12.437105	1.2271557	.500	.032
DA_t/A_{t-1}	-.0035783	-.0079533	.18245954	.445	1.058
$abs[DA_t/A_{t-1}]$	.1364	.0986	.12977	2.053	6.039
$Ln[abs(DA_t/A_{t-1})]$	-2.4820	-2.3164	1.14847	-1.000	1.540

بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته نیز با استفاده از آزمون کلموگروف- اسمیرنف مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید مقادیر سطح معنی داری برای TA/A (مدل تعدیل شده جونز)، $Ln | DA_{it}/A_{i,t-1} |$ (مدل مربوط به فرضیه اول) و DA_t/A_{t-1} (مدل مربوط به فرضیه دوم) در سالهای مختلف بیشتر از ۵ درصد است و لذا هر سه متغیر وابسته، دارای توزیع نرمال می باشد.

۲-۴- آزمون فرضیه اول تحقیق

در جدول شماره ۳، نتایج رگرسیون فرضیه اول تحقیق آورده شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر با صفر بوده و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. میزان ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۰۴ و R^2 تعدیل شده برابر ۰/۰۳ است. مقدار آماره دورین واتسون برابر با ۱/۸۹ است که این مقدار، عدم وجود خودهمبستگی را نشان می دهد.

مقادیر t برای عرض از مبدأ (مقدار ثابت)، $TENURE$ ، LEV و ROI در ناحیه رد فرض صفر قرار می گیرد یعنی این متغیرها در مدل معنی دار هستند و سایر متغیرها در مدل معنی دار نیستند زیرا مقدار t برای سایر متغیرها در ناحیه عدم رد فرض صفر قرار دارد.

با توجه به موارد فوق می توان فرضیه اول تحقیق را تأیید شده تلقی نمود. این امر به این معنی است که بین مدت تصدی حسابرس و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری رابطه مستقیم وجود دارد و با افزایش سالهای همکاری حسابرس و صاحبکار، با احتمال بیشتری مدیریت سود (چه در جهت افزایش سود و چه در جهت کاهش سود) صورت می پذیرد. مدل برآوردی به صورت زیر است.

$$LnAbs(DA_t/A_{t-1}) = -3/18 + 0/07TENURE_t + 1/107LEV_t + 1/63ROI_t$$

نمودار پراکنش باقیمانده ها در مقابل مقادیر برآورد شده، الگوی خاصی را نشان نمی دهد و این امر حاکی از همسانی واریانس باقیمانده ها است.

جدول شماره (۳): نتایج تحلیل پانلی مدل آماری فرضیه اول تحقیق

Dependent Variable: $\ln[\text{abs}(\text{DA}_i/\text{A}_{i-1})]$				
Method: Pooled Least Squares				
Included observations: 5				
Cross-sections included: 108				
Total pool(unbalanced)observations: 526				
White cross-section standard errors & covariance(d.f. corrected)				
Cross sections without valid observations dropped				
Prob.	t-Statistic	Std. Error	Coefficient	Variable
0.000	-4.424	0.719	-3.183	C
0.026	2.240	0.031	0.070	TENURE
0.735	-0.339	0.182	-0.062	OPN
0.000	4.113	0.269	1.107	Lev
0.000	4.610	0.353	1.627	ROI
0.380	-0.878	0.036	-0.032	Size
-2.491	Mean dependent var		0.042	R-squared
1.095	S.D. dependent var		0.032	Adjusted R-squared
2.998	Akaike info criterion		1.077	S.E. of regression
3.047	Schwarz criterion		603.489	Sum squared resid
4.517	F-statistic		-782.505	Log likelihood
0.000	Prob(F-statistic)		1.890	Durbin-Watson stat

۳-۴- آزمون فرضیه دوم تحقیق

در جدول شماره ۴، نتایج رگرسیون فرضیه دوم تحقیق آورده شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر با صفر است. چون این مقادیر کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. میزان ضریب تعیین یا R^2 برابر با ۰/۰۶ و R^2 تعدیل شده برابر با ۰/۰۵ است. مقدار آماره دورین واتسون برابر با ۲/۱۹ است که این مقدار عدم وجود خودهمبستگی را نشان می دهد (نداشتن خود همبستگی یکی از پیش فرض های مدل است).

مقادیر t برای LEV و $SIZE$ در ناحیه رد فرض صفر قرار می گیرد یعنی تنها این دو متغیر در مدل معنی دارند و سایر متغیرها در مدل معنی داری نیستند زیرا مقادیر t برای سایر متغیرها در ناحیه عدم رد فرض صفر قرار می گیرد.

با توجه به موارد فوق می توان فرضیه اول تحقیق را رد شده تلقی نمود. این امر به این معنی است که بین مدت تصدی حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری علامت دار رابطه ای وجود ندارد. یعنی بین احتمال افزایش اقلام تعهدی اختیاری علامت دار (مدیریت سود در جهت افزایش سود) و مدت همکاری حسابرس و صاحبکار هیچ گونه رابطه ای مشاهده نگردید.

نمودار پراکنش باقیمانده ها در مقابل مقادیر برآورد شده، الگوی خاصی را نشان نمی دهد و این امر حاکی از همسانی واریانس باقیمانده هاست.

۵- نتیجه گیری

در خصوص فرضیه اول تحقیق، نتایج حاصل از آزمون های آماری حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین مدت تصدی حسابرس و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری است (t آماري ۲/۲۴۰). همچنین از بین متغیرهای کنترل نیز نسبت اهرمی و نرخ بازده دارائیه دارای رابطه مستقیم با قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری هستند. این امر به این معنی است که همزمان با افزایش سال های همکاری حسابرس و صاحبکار، احتمال مدیریت سود چه در جهت کاهش سود و چه در جهت افزایش آن بیشتر می شود.

در خصوص فرضیه دوم تحقیق، نتایج حاصل از آزمون های آماری حاکی از عدم وجود رابطه بین مدت تصدی حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری علامت دار است. این امر مبین آن است که در محدوده جامعه آماری این پژوهش، افزایش مدت همکاری حسابرس و صاحبکار لزوماً منجر به مدیریت رو به بالای سود (افزایش سود) نمی گردد و می تواند منجر به افزایش محافظه کاری و مدیریت رو به پائین سود نیز شود.

با توجه به نتایج حاصل از فرضیات فوق، می توان چنین استنباط نمود که با افزایش مدت تصدی حسابرس، احتمال مدیریت سود چه در جهت کاهش سود و چه در جهت افزایش سود بیشتر گردیده و جهت مدیریت سود وابسته به انگیزه های خاص مدیریت می باشد. نتایج فوق با نتایج بسیاری از تحقیقات صورت پذیرفته در این زمینه مطابقت دارد. از جمله می توان به پژوهش های شاکلی (۱۹۸۱)، بیتز و همکاران (۱۹۸۲)، دوپاچ و همکاران (۲۰۰۱)، تحقیقات سال ۲۰۰۴ چانگ در کشور کره (دارای قانون تغییر اجباری)، وانسترالن (۲۰۰۰) کاسترلا و همکاران (۲۰۰۴) و... اشاره نمود.

از سوی دیگر نتایج هر دو فرضیه این پژوهش، با نتایج تنها تحقیق انجام شده در خصوص مدت تصدی حسابرس در ایران همسو است. در این رابطه بذرافشان (۱۳۸۸) نشان داد که بین مدت تصدی حسابرس و محافظه کاری رابطه مثبت وجود دارد. لازم به ذکر است که بسیاری از صاحب نظران عرصه

مدیریت سود همچون مالفورد و کامیسکی، محافظه کاری را یکی از سطوح مدیریت سود و شاید پر کاربرد ترین سطح آن می دانند.

۵-۱- پیشنهادات برگرفته از نتایج تحقیق

نتایج این تحقیق، چرخش اجباری حسابرسان را نفی نمی کند و با مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار سازگار است. چرخش اجباری حسابرسان در ایران به دلیل کوچک بودن مؤسسات منجر به تغییر کامل یک موسسه می شود. این نوع چرخش، هزینه حسابرسی را افزایش می دهد و امنیت کاری مؤسسات را به خطر می اندازد. اجباری کردن تشکیل مؤسسات بزرگ توسط سازمان بورس و اوراق بهادار یا ایجاد شبکه مؤسسات می تواند هم آثار منفی چرخش اجباری را کاهش دهد و هم موجب تقویت کیفیت حسابرسی گردد.

۵-۲- پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی

- ارزیابی ارتباط بین مدت تصدی حسابرس و استقلال ظاهری حسابرس و برداشت از کیفیت حسابرسی (ارزیابی واکنش بازار).
- بررسی ارتباط بین مدت تصدی شریک حسابرسی و یا گروه رسیدگی کننده، با استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی.
- افزایش دوره زمانی تحقیق و تفکیک مدت تصدی حسابرس به دوره های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت.
- بررسی رابطه بین مدت تصدی حسابرس و متغیرهای وابسته دیگر همچون خطاهای گزارشگری، ارائه مجدد صورتهای مالی، معیارهای مبتنی بر بازار مانند هزینه بدهی و ضریب واکنش سود.
- استفاده از روش دلفی جهت ارزیابی دیدگاه متخصصین و حرفه ای ها در خصوص تحلیل منفعت - هزینه چرخش اجباری حسابرسان.

جدول شماره (۴): نتایج تحلیل پانلی مدل آماری فرضیه دوم تحقیق

Dependent Variable: DA_t/A_{t-1}				
Method: Pooled Least Squares				
Included observations: 5				
Cross-sections included: 107				
Total pool(unbalanced)observations: 524				
White cross-section standard errors & covariance(d.f. corrected)				
Cross sections without valid observations dropped				
Prob.	t-Statistic	Std. Error	Coefficient	Variable
0.404	-0.836	0.061	-0.051	C
0.252	1.146	0.005	0.006	TENURE
0.372	-0.893	0.040	-0.036	OPN
0.001	-3.449	0.041	-0.140	LEV
0.737	-0.336	0.093	-0.031	ROI
0.000	4.557	0.003	0.013	Size
-0.007	Mean dependent var		0.056	R-squared
0.166	S.D. dependent var		0.047	Adjusted R-squared
-0.785	Akaike info criterion		0.163	S.E. of regression
-0.736	Schwarz criterion		13.679	Sum squared resid
6.177	F-statistic		211.627	Log likelihood
0.000	Prob(F-statistic)		2.195	Durbin-Watson stat

منابع و مأخذ:

۱. بذرافشان، آمنه. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسان و گزارشگری سودهای محافظه کارانه در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۲. سازمان بورس و اوراق بهادار تهران. (۱۳۸۶). "دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار (مصوب ۱۳۸۶/۰۵/۰۸ شورای عالی بورس)". سایت رسمی بورس و اوراق بهادار تهران.
۳. علی مدد، مصطفی. (۱۳۸۹). *اخلاق و آیین رفتار حسابداران حرفه‌ای (نشریه ۱۹۵)*. تهران، سازمان حسابرسی.
4. Ebrahim, Ahmed. (2001). "Auditing Quality, Auditor Tenure, Client Importance, and Earnings Management: An Additional Evidence". from <http://ssrn.com>
5. ameran, m, Prencipe, A, Trombetta, m. (2008). "Earnings management, audit tenure and auditor changes: does mandatory auditor rotation improve audit quality?". from <http://ssrn.com>
6. Carcello J.V. & Nagy A.L. (2004). "Audit Firm Tenure and Fraudulent Financial Reporting". Auditing: A Journal of Practice & Theory. Vol. 23, Issue 2, pp. 55-69.
7. Casterella, J., J. Francis, B. Lewis, & P. Walker. (2004). "Auditor industry specialization, client bargaining power, and audit pricing". Auditing: A Journal of Practice and Theory. vol 23
8. Chen, H., Chen, J., Lobo, G. (2009). "Effects of Audit Quality on Earnings Management and Cost of Equity Capital: Evidence from China". from <http://ssrn.com>
9. Chung H. (2004). "Selective Mandatory Auditor Rotation and Audit Quality: an Empirical Investigation of Auditor Designation Policy in Korea". Working paper.
10. Copley P. and Doucet M.S. (1993). "Auditor Tenure, fixed Fee Contracts, and the Supply of Substandard Single Audits". Public Budgeting & Finance, Vol. 13, Issue 3, pp. 23-36.
11. Davis, R., B. Soo., and G. Trompeter. (2000). "Auditor tenure, auditor independence and earnings management". Working Paper. Boston College. Boston, MA.
12. Davis, L., Soo, B. and Trompeter, G. (2008). "Auditor tenure and the ability to meet or beat earnings forecast". Working paper, Michigan Tech University and Boston College.

13. Dechow ,P.:Sloan ,R.: Sweeney ,A.(1996). "Causes and Consequences of Earnings Manipulation: An Analysis of Firms Subject to Enforcement Actions by the SEC", Contemporary Accounting Research , Vol.13.
14. Dechow.p, Kothari.S.P,Watts.R.L,(1998). "The relation between earnings and cash flows". Journal of Accounting and Economics 25(1998)133-168
15. Dechow ,P.: Sloan,R.:Sweeney,A.(1995). "Detecting Earnings Management". The Accounting Review ,Vol.70,No.2, April.
16. Deis , D.and G.Giroux.(1992). "Determinants of audit quality in the public sector". The Accounting Review 67(3):462-497.
17. Dopuch, N., R. R. King, and R. Schwartz. 2001. "An experimental investigation of retention and rotation requirements". Journal of Accounting Research 39(1): 93-117.
18. Geiger M.A.and Raghunandan k.(2002). "Auditor tenure and audit reporting failures". Auditing: A journal of Practice & Theory. Vol.21, Issue 1, pp.585-612.
19. Ghosh A.and Moon D.(2005). "Auditor Tenure and Perceptions of Audit Quality". The Accounting Review. Vol.80. Issue 2, pp.585-612.
20. Gul.F.A,Jaggi. B.and Krishan G.(2007). "Auditor Independence: Evidence on the Joint Effects of Auditor Tenure and Non-Audit Fees ". Auditing: A Journal of Practice and Theory.
21. Healy ,P., J.Wahlen.(1999). "A Review of the Earnings Management Literature and its Implications for Standard Setting". Accounting Horizons ,Vol.13, Issue 4.
22. Jones , J.(1991). "Earnings Management During Import Relief Investigations". Journal of Accounting Research. Vol.29, No.2; Autumn.
23. Kim.J.B et al.(2007). "Auditor Quality, Tenure, and Bank Loan Pricing". On line <http://ssrn.com>
24. Knapp,M.(1991). "Factors that audit committee members use as surrogates for audit quality". Auditing: A Journal of Practice and Theory ,Vol.10, pp.35-52.
25. Lennox C.(198۴). "Bankruptcy , Auditor Switching and audit Failure. Evidence from the UK 1987-1994". Working Paper.
26. Mansi.S.A,Maxwell.W.F. Miller. D.P.(2004). "Does Auditor Quality and Tenure Matter to Investors ? Evidence from the Bond Market". Journal of Accounting Research , Vol.42 NO.4, pp.755-793.
27. McNichols. M, Wilson, P. G.(1988). "Evidence of Earnings Management from the provision for bad debts". Journal of Accounting Research, 26, supplement, 1 – 31.
28. Myers ,J.N.Myers.L.A.Palmrose ,Z.V.and Scholz ,S.(2003). "Mandatory Auditor Rotation Evidence from Restatements". On line <http://ssrn.com>

29. Palmrose,Z,V.(1991).”Trials of legal disputes involving independent auditors: Some.empirical evidence”.Journal of Accounting Research.Vol.29(Supplement), pp.149-85.
30. Pierre K.St and Anderson J.A.(1984).”An Analysis of the Factors Associated With Lawsuits Against Public Accountants”. The Accounting Review ,Vol.59.Issue 2 , pp. 242-264.
31. Raghunathan, B., B. Lewis and J. Evans III.(1994).”An empirical investigation of problem audits”. Research in Accounting Regulation . Vol 8.
32. Shockley ,R.A.(198۱).”Perceptions of auditors , independence:A conceptual model”. Journal of Accounting , Auditing and Finance. Vol.5 No.2,pp.126-143.
33. Turner,L et al.(2008).”Does Increased Audit Partner Tenure Reduce Audit Quality?”. On line <http://ssrn.com>
34. Vanstraelen A.(2000).”Impact of renewable long –term audit mandates on audit quality”.The European Accounting Review,Vol.9.pp.419-443.
35. Walker P.L.(2001).Lewis B.L, Casterella J.R.”Mandatory auditor rotation:Arguments and current evidence”. Accounting Enquiries, Vol.10,